

## چه باشد آنچه خوانندش سیاست؟

۴



■ نشر فلات  
۱۳۹۴

کتاب حاضر، ضمن تشریح چرایی طرح پرسش از سیاست بدین گونه، در پی کاوش در مبانی و بنیادهای مفهوم سیاست و تاریخ تأمل در باب این مفهوم است و آن را در سه بخش چپستی، چرایی و چگونگی سیاست بررسی کرده است. بخش‌های این اثر عبارتند از توجه بر ماهیت سیاست، اهمیت پرداختن به سیاست و چه باشد آنچه خوانندش سیاست‌ورزی. این کتاب را می‌توان اثری جامع در باب بررسی نظریات دولت خواند.

## از زرتشت تا خیام

۵



■ نشر فلات  
۱۳۹۹

این کتاب جلد نخست از مجموعه‌ی «منتخبات فلسفه در ایران» است که دکتر «سیدحسین نصر» و دکتر «مهدی امین‌رضوی»، گزینش متن، نگارش شرح‌ها و نظارت نهایی بر آن را به عهده داشته‌اند. سنت فلسفه در جهان فارسی‌زبانان، سنتی فوق‌العاده غنی، خلاقانه و متنوع است. این اثر در ایران توسط مهدی فدایی‌مهربانی ترجمه شده و توانسته به درستی اصطلاح فلسفه به معنای کلی آن را برای خوانندگان فارسی‌زبان به تصویر بکشد.

## اسلام و سیاست در دنیای معاصر

۶



■ نشر فلات  
۱۳۹۶

اسلامگرایی چیست و مدلول آن کدام است؟ آیا این امر پدیده‌ای واحد است یا صرفاً نامی است برای تنوع؟ آیا می‌توان کلیت حرکت اسلامی را به عنوان یک حرکت واحد در جهان امروز شناسایی نمود؟ این سؤالاتی است که کتاب حاضر به قلم آکیرو ماتسوموتو و مادلین سلطان سعی در تشریح آنان دارد و مهدی فدایی‌مهربانی در کنار حبیب‌الله فاضلی با زبانی صحیح و مستدل در ترجمه، سعی در بازگو کردن آنان برای فارسی‌زبانان دارد.



آن کار می‌کند مسلط باشد و از طرفی با زبان‌های حوزه‌ای که در آن مشغول به تألیف است آشنا باشد. مثلاً اگر به ایده‌آلیسم می‌پردازد نیازمند این است که آلمانی بداند، یا اگر به فلسفه اسلامی می‌پردازد به فارسی و عربی مسلط باشد. زبان انگلیسی هم که چون مهم‌ترین زبان علم در دنیاست از ضروریات است و هرکسی باید بدان آگاهی داشته باشد و در نهایت، یک مولف فلسفه بهتر است خودش هم گامی در وادی فلسفیدن بگذارد، زیرا فلسفه در اصل یاد گرفتن اندیشه‌ها نیست، بلکه یاد گرفتن اندیشیدن است. طبیعتاً مطالعه فلسفه کسی را فیلسوف نمی‌کند. یک مولف فلسفه بهتر است صرفاً به مطالعه و نگارش فلسفه بسنده نکند؛ زیرا در تفکر کردن و اندیشیدن است که مسأله‌ای از یک جامعه پاسخ داده می‌شود. به عنوان مثال خود بنده که روی فلسفه سیاسی کار می‌کنم، اگر صرفاً در آثارم کشکولی از آرای متفاوت را بیابم چیزی به این جامعه اضافه نمی‌کنم، اما وقتی گامی در جهت اندیشیدن و ارایه راهکار بردارم، وضع متفاوت خواهد شد.

**به صورت کلی، چه پیشنهادی برای علاقه‌مندان به حوزه مطالعه در فلسفه می‌کنید؟ باید فلسفه و آموختن آن را چگونه آغاز کرد؟ آیا برای آغاز باید دست به دامن کتب مربوط به تاریخ فلسفه شد یا صرف مطالعه آثار فیلسوفان کفایت می‌کند؟**  
من همیشه پیشنهاد این است که اولاً از آغازگاه‌ها شروع شود و بعد به دوران جدید بیایم. مثلاً کسی که افلاطون نخوانده، نمی‌تواند هگل را درک کند. یا کسی که فارابی نخوانده، نمی‌تواند غزالی را درک کند. اما متأسفانه در جامعه معمولاً اینطور نیست و افراد حوصله پرداختن به کلاسیک‌ها را ندارند. دوم اینکه پیشنهاد می‌کنم کسی که اطلاعی از مباحث فلسفی ندارد مستقیماً سراغ متون اصلی نرود، چون فهم بسیاری از مطالب نیازمند جایگاه آن بحث‌ها در منطق بیرونی آنهاست. فرد بی اطلاع ممکن است یک متن اصلی را بخواند و اصلاً متوجه نشود این در پاسخ به چه فرد و جریان یا مسأله‌ای است، اما کتب خوب تاریخ فلسفه این منطق بحث را شرح می‌دهند. بعد از مدتی مطالعه منابع دست دوم، می‌توان منابع دست اول و متون اصلی را شروع کرد.

فلسفه غرب را بر آثار مربوط به فلسفه اسلامی ترجیح می‌دهد.

**به نظر شما آیا کتب فلسفه اسلامی در میان حجم زیادی از آثار مربوط به فلسفه غرب، مظلوم واقع شده‌اند؟ آیا فکر نمی‌کنید پرداخت به حوزه فلسفه اسلامی، بنا بر اهمیت والایی که نسبت به نیاز روز ما دارد، در مطالعات عمیق دانشگاهی کشور خودمان دست کم گرفته شده؟**

بله قطعاً مظلوم واقع شده است، اما مظلوم واقع شدن آن یک امر بی‌دلیل نیست؛ این مظلوم واقع شدن به دلیل این نیست که مثلاً ناشران علاقه داشته باشند که کتب غربی منتشر کنند. ناشر در درجه اول کار اقتصادی می‌کند و در درجه بعد کار فرهنگی انجام می‌دهد. غیر از ناشران دولتی که اصولاً در انتشار محصولات فرهنگی دارای یک منطق فرااقتصادی هستند، ناشران خصوصی برای بقای خود چاره‌ای جز این ندارند که اثری منتشر کنند که بتواند در بازار موفق باشد. پس انتشار آثار غربی منطق اقتصادی دارد؛ در واقع بازار یا جامعه این آثار را بیشتر مطالبه می‌کند. من این را به عنوان کسی عرض می‌کنم که خودم در حوزه فلسفه، عرفان، سیاست، و فرهنگ اسلامی قلم می‌زنم و طبیعتاً این وضعیت برای من اسفبار است؛ اما عرض این است که منطق این وضعیت را باید درک کنیم. این جامعه اکنون بیشتر طالب آثار ترجمه است و البته اینکه چرا چنین است، خود بحث دیگری است. البته فرهنگ و فلسفه اسلامی در آثار پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و در مقالات علمی پژوهشی و غیره بازتاب دارد، اما چون جامعه چیز دیگری را مطالبه می‌کند، این آثار و مجلات رفته‌رفته به جزیره‌ای دورافتاده از سرزمین اصلی بدل شده‌اند.

**جایگاه یک مولف فلسفی در ایران چیست؟ چه نشانه‌هایی نیاز است تا ما یک شخص را مولف فلسفه بدانیم؟ آیا سیر مطالعه فلسفه و فیلسوف دانشگاهی بودن کفایت می‌کند؟**

نمی‌دانم منظورتان از جایگاه چیست. اگر منظور این است که یک مولف فلسفه چه استانداردهایی باید داشته باشد، باید عرض کنم چنین کسی باید بتواند به ادبیات حوزه‌ای که در

مترجمین جوان متعددی را می‌شناسیم که وضعیت وخیم اقتصادی باعث شده است برای گذران زندگی در سال چند کتاب را ترجمه کنند تا زندگی‌شان بچرخد. به ممکن است ترجمه این کتاب‌ها خوب نباشد، اما اگر انحطاطی در زمینه ترجمه وجود دارد، این بخشی از انحطاطی است که در حوزه‌های دیگر جامعه شکل گرفته است. دانشگاه از حوزه‌های دیگر هیچ وقت مستثنی نبوده و بازتابی از وضعیتی است که در عینیت جامعه می‌گذرد. در وضعیتی که اساتید دانشگاه با مشکل جدی معیشتی مواجه هستند، حوصله‌ای برای فعالیت جدی علمی برای آنها هم باقی نمی‌ماند. فارغ‌التحصیلان غیرشاغل که جای خود دارند